

فصل‌نامه‌ی علمی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

س ۱۱، ش ۲ (پیاپی ۲۳)، پاییز ۱۳۹۹

صص: ۱۵۱-۱۳۳

شاپا: ۸۴۵۷-۲۲۵۱

بررسی رابطه‌ی خصوصیات نحوی فعل و پارامتر ضمیر انداز بودن زبان در برخی از گویش‌های ایرانی براساس رویکرد حاکمیت و مرجع‌گزینی

عبدالله میرزایی

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

دکتر محمدرضا اروچی (نویسنده‌ی مسئول)

استادیار گروه زبان‌شناسی همگانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

دکتر بهزاد رهبر

استادیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

دکتر حیدر حسنلو

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

چکیده

عملکرد ضمیر فاعلی در زبان‌ها متفاوت می‌باشد. یعنی زبان‌های مختلف در برخورد با ضمیر، با توجه به خصوصیات سازه‌های نحویشان، واکنش‌های مختلف از خود نشان می‌دهند. در برخی از زبان‌ها مانند: زبان فارسی و ترکی ضمیر فاعلی به صورت اختیاری می‌باشد اما در برخی از زبان‌ها مانند زبان انگلیسی و فرانسه وجود ضمیر فاعلی امری بدیهی می‌باشد و عدم وجود آن باعث نادستوری شدن جمله می‌شود. از این رو پارامتری به نام "پارامتر ضمیر انداز بودن" زبان‌ها را در این مقوله از هم جدا می‌سازد، به عنوان مثال زبان فارسی را جزء زبان‌های ضمیرانداز و زبان انگلیسی را ضمیرگذار دسته‌بندی می‌کند. تحقیق حاضر به بیان نقش فعل در ضمیر انداز بودن زبان در برخی از گویش‌های ایرانی می‌پردازد. با توجه به مشاهده مثال‌های فراوان از زبان‌های مختلف، در زبان‌های ضمیر انداز فعل از قدرت تصریف بالایی برخوردار بود یعنی اینکه با تمام ضمیر فاعلی صرف می‌شد. و چنانچه ضمیر فاعلی حذف می‌شد جمله کاملاً دستور به دست می‌آمد. ولی در زبان‌های ضمیرگذار فعل قدرت تصریف را نداشت در نتیجه با حذف ضمیر فاعلی مخاطب از تشخیص فاعل جمله عاجز می‌ماند. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان به این نتیجه رسید که صرف فعل می‌تواند به عنوان یک ممیزی معتبر جهت تشخیص زبان‌های ضمیرانداز از زبان‌های ضمیرگذار ایفای نقش نماید.

واژگان کلیدی: اصول و پارامترها، پارامتر ضمیر انداز، حاکمیت و مرجع‌گزینی، صرف فعل

Email: mirzaieabdollah@yahoo.com

mohammadrezaorji@yahoo.com

rahbarbehzad@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۰۲

۱- مقدمه

زبان‌شناسانی مانند گرین‌برگ با مطالعه زبان‌های مختلف در صدد یافتن همگانی‌هایی بودند، که بتوانند با آنها زبان‌های مختلف را مورد بررسی قرار دهند. چامسکی و برخی از زبان‌شناسان معتقداند که یکسری اصولی وجود دارند که در زبان‌های مختلف به صورت یکسان عمل می‌کنند، ماند اصل فرافکنی گسترده (EPP)^۱. در عین حال یکسری پارامترهایی را پیدا کرده‌اند که می‌توانند از زبانی به زبان دیگر قابل تغییر باشند. از جمله این پارامترها می‌توان به پارامتر ضمیرانداز بودن یا فاعل تهی اشاره کرد که به عنوان یک پارامتر در بعضی از زبان‌های دنیا مانند فارسی، عربی، ترکی، ایتالیایی و چینی عمل می‌کند، یعنی در مواقعی می‌توان بدون اینکه جمله نادرستی شود ضمیر فاعلی را حذف کرد و مخاطب می‌تواند با توجه به سایر سازه‌های جمله به فاعل جمله پی ببرد و در برخی زبان‌ها اگر ضمیر فاعلی حذف گردد جمله از لحاظ دستوری با مشکل روبرو می‌شود و در نتیجه جمله برای مخاطب قابل درک و فهم نخواهد بود.

لذا در این پژوهش سعی می‌شود تا براساس رویکرد حاکمیت و مرجع‌گزینی به دلایل ضمیر انداز بودن زبان با بررسی خصوصیات صرفی نحوی افعال، پرداخته شود لذا برای روشن تر شدن مسأله سعی می‌شود از زبان‌های مختلف مثال‌هایی آورده شود. برای درک تفاوت بین زبان ضمیرانداز و زبان ضمیرگذار مثالهای (۱) و (۲) را از فارسی و انگلیسی با هم مقایسه می‌کنیم.^۲

۱- الف) علی می‌گوید که Ø شیرینی را دوست دارد.

ب) او بازی را باخت.

ج) Ø بازی را باخت.

د) Ø به نظر می‌رسد که علی ناراحت است.

2-a) * Jack says that Ø likes spaghetti.

b) He lost the game.

c) * Ø lost the game.

d) * Ø seems that Jack is unhappy.

همان‌طور که مقایسه مثال‌های فوق نشان می‌دهد در برخی جملات فارسی (۱، الف،

ج و د) می‌توان ضمیر فاعلی را از جمله حذف کرد و ساختار باقیمانده کاملاً دستوری است.

^۱extended extend l finite ar

^۲ برای نشان دادن جایگاه تهی از علامت Ø و برای نشان دادن جمله غیر دستوری از علامت * استفاده شده است

در مثال‌های فارسی ضمائر فاعلی از ساخت‌های خود ایستا^۳ یعنی ساختهایی که دارای فعل زماندار هستند حذف شده‌اند در حالیکه حذف ضمائر فاعلی از ساخت‌های خودایستای انگلیسی باعث نادستوری شدن جملات (۲، الف، ج و د) شده است. در آثار مربوط به دستور زایشی به جای علامت تهی که نشان دهنده حذف ضمیر است از اصطلاح ضمیر انتزاعی^۴ استفاده می‌کنند که در واقع همسان تهی یک ضمیر آشکار است. زبانهایی مانند فارسی که اجازه حضور ضمیر انتزاعی را در جایگاه فاعلی می‌دهند زبان‌های فاعل تهی^۵ نامیده می‌شوند در حالی که زبان‌هایی مانند انگلیسی غیر فاعل تهی هستند (دبیرمقدم، ۱۳۸۷: ۲۶۵)

۱-۱- روش تحقیق

این پژوهش نظری و بنیادی است که به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است و روش جمع آوری اطلاعات، میدانی و کتابخانه‌ای می‌باشد.

نگارندگان سعی بر آن خواهند داشت تا از طریق توصیفی، بدون تجویز و صرفاً بر حسب داده‌های موجود اعم از گفتار و نوشتار به مطالعه رابطه ضمیر انداز بودن زبان و خصوصیات سازه‌های نحوی جمله بپردازد. در این تحقیق سعی بر آن است تا با جمع آوری داده‌ها از زبان‌های مختلف نسبت به بررسی فرضیات اقدام شود. منظور از روش توصیفی و تحلیلی این است که معلوم شود بر اساس داده‌های موجود، زبان باید چه خصوصیتی برای ضمیر انداز بودن، داشته باشد. ابزار تحلیل این مطالعه روابط خصوصیات نحوی فعل می‌باشد

۱-۲- پیشینه تحقیق

نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی که نام دیگر آن اصول و پارامترها است، برای نخستین بار در سال ۱۹۸۱ از سوی چامسکی^۶ در "خطابه‌هایی در حاکمیت و مرجع‌گزینی"^۷ مطرح شد. دستور زایشی که از ۱۹۵۷ با کتاب "ساخت‌های نحوی"^۸ چامسکی ظهور پیدا کرد، بنیادی ریاضی گونه دارد. از آن سال تاکنون این دستور زایشی صورت مختلفی به خود گرفته است و تحولات چندی را پشت سر گذاشته است. نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی که به اختصار به آن GB می‌گویند خود از درون نظریه معیار گسترده اصلاح شده بیرون آمده است.

زبان‌شناسان زایشی به پیروی از چامسکی به دنبال پاسخ دادن به مساله‌ای بودند که به توسط خود چامسکی مطرح شده بود. این مساله را مساله افلاطون^۹ می‌نامند، زیرا افلاطون

^۳ finite

^۴ pro

^۵ null-subject

^۶ Chomsky

^۷ lectures on government and binding theory

^۸ syntactic structures

به توسط خود چامسکی مطرح شده بود. این مسأله را مسأله افلاطون^۹ می‌نامند، زیرا افلاطون (خردگرا) برای بار نخست آن را مطرح نمود. مسأله افلاطون این است که کودک انسان چگونه در سن کم و مدت زمان اندک میتواند تنها با بودن در معرض داده‌های زبانی که گاه ناقص و گاه نادرستی نیز میباشند، زبانی را به درستی بیاموزد و ساخته‌های نادرستی آن را از دستوری تشخیص بدهد.

جواب این مسأله یعنی فرضیه چامسکی به ذاتی^{۱۰} بودن زبان آدمی باز میگردد. اصطلاح علمیت‌ر آن این که زبان ماهیتی ژنتیکی دارد. او این دانش زبانی فطری و ژنتیکی انسان را، UG می‌نامد.

چامسکی در UG پی برد که در زبان یکسری اصولی وجود دارند که در کلیه زبان‌ها ثابت و بدون تغییر می‌باشند و کودک به هنگام تولد آن‌ها را با خود دارد. این اصول در همه افراد مشترک و یکسان است. (ایشان همچنین به وجود دستگاه فراگیری زبان^{۱۱} (LAD) در مغز کودک معتقد می‌باشد که برای بالفعل شدن نیاز به اطلاعات زبانی از محیط پیرامون دارد). اما در کنار این اصول پارامترهایی هم وجود دارند که در زبان‌های مختلف با هم متفاوت می‌باشند و کودک آن‌ها را از محیط زبانی اکتساب می‌نماید. در واقع مجموعه‌ای از ویژگی‌های منحصر به فرد زبانی که پارامتر محسوب شده و در دستور جهانی UG می‌توان برای آن‌ها دست به انتخاب زد. پارامتر را تجربه (بودن در معرض یک زبان خاص) تثبیت می‌کند.

چامسکی ضمیر افکن بودن زبان را برای برخی از زبان‌ها که افعال در آن‌ها دارای تصریف و مطابقه می‌باشند به عنوان پارامتر محسوب می‌نماید که در برخی از زبان‌ها مانند فارسی و ایتالیایی وجود دارد.

هنگ^{۱۲} (۱۹۸۴) با بررسی زبان چینی نشان داد که با وجود اینکه در زبان چینی فعل به طور کامل صرف نمی‌شود اما یک زبان ضمیر انداز محسوب می‌شود. وی فرایندهای کلامی را عامل مهم در ضمیر انداز بودن زبان چینی می‌داند (کوک، ۱۹۹۸: ۶۰).

3-Lai le ren.

Come aspect particle person

کسی آمد.

اما در فعلی مانند Shuo حذف ضمیر جمله را نادرستی می‌کند:

⁹ Plato's problem

¹⁰ innate

¹¹ language acquisition device

¹² Huang

4-*Shuo ta Speaks he

او صحبت می‌کند.

به نحوه عمل فعل kanjian (دیدن) توجه کنید:

5-a. kanjian ta le. see he LE

‘pro saw him.’

6-b. Ta kanjian le

he see LE

‘He saw pro.’

او، او را دید.

سیمسون^{۱۳} (۲۰۰۵) با مطالعه زبان‌های اروپایی دریافت زبان‌های ایتالیایی و اسپانیایی که دارای الگوی مطابقه کامل بین فعل و فاعل می‌باشند می‌توانند ضمیر انداز باشند. اما زبان‌هایی مانند فرانسه، انگلیسی و آلمانی که مطابقه کاملی بین فعل و فاعل در آن‌ها مشاهده نمی‌شود، نمی‌توانند ضمیر انداز باشند. برای روشن شدن موضوع مثال‌هایی را آورده‌اند:

جدول ۱- صرف فعل خوردن (Mangio) در ایتالیایی

شخص/فعل	۱مفرد	۲مفرد	۳مفرد	۱جمع	۲جمع	۳جمع
manga	mangio	mangi	mangia	mangiamo	mangiate	mangiano
خوردن	من می‌خورم	تو می‌خوری	او می‌خورد	ما می‌خوریم	شما می‌خورید	ما می‌خوریم

گریان مولر^{۱۴} (۲۰۱۱) معتقد است هرگاه در زبانی فعل دارای خصوصیتی باشد که مطابقه ساخت واژگی و فاعلی از لحاظ شخص، عدد و جنسیت با ضمیر محذوف برقرار باشد آن زبان ضمیر انداز محسوب می‌شود. زبان‌هایی که فاقد چنین ویژگی‌هایی هستند ضمیرگذار می‌باشند. یعنی اینکه زبان‌های ضمیرانداز دارای ویژگی‌های صرفی نحوی^{۱۵} قوی می‌باشند. برای روشن شدن موضوع به مثالی از زبان ایتالیایی اشاره شده است. صرف فعل Parl (صحبت کردن) در زبان ایتالیایی:

¹³ Simpson.Andre

¹⁴ Gereon Muller

¹⁵ morpho-syntactic

جدول ۲- صرف فعل گفتن در زبان ایتالیایی

شخص	۱مفرد	۲مفرد	۳مفرد	۱جمع	۲جمع	۳جمع
صرف فعل	parl-o	Parl-i	parl-a	parl-iamo	parl-iate	parl-iano

دبیر مقدم (۱۳۸۹) در کتاب "زبان شناسی نظری"^{۱۶}، ضمن پرداختن به کتاب خطابه‌هایی در حاکمیت و مرجع‌گزینی چامسکی یاد آوری کرده است که نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی نظریه‌ای است درباره دستور همگانی که می‌بایست واجد دو شرط باشد: یکی اینکه با تنوع ساختی زبان‌های موجود سازگار باشد به بیانی روشن‌تر آن قدر انعطاف داشته باشد که بتواند پاسخگوی تنوع ساخت زبان‌ها باشد. دیگر اینکه از محدودیت‌های لازم برخوردار باشد زیرا باید این واقعیت را در نظر داشت که زبانی که در ذهن زبان آموز نقش می‌بندد بر اساس داده‌ها و شواهد زبانی ناکافی شکل می‌گیرد. به بیانی رساتر، به نقل ایشان به ادعای چامسکی، ویژگی‌های بنیادی موجود در دستور زبان‌ها فراتر و جامع‌تر از داده‌ها و شواهد زبانی‌ای است که زبان آموز در معرض آن قرار دارد و از این رو این ویژگی‌ها را می‌بایست به دستور همگانی منتسب کرد.

بنابراین انتظار می‌رود که نظریه دستور همگانی شامل تعدادی اصول بنیادی و جهان شمول باشد که جملگی زبان‌ها این اصول را رعایت نمایند مانند اصل حاکمیت که طبق این اصل فعل بر مفعول صریح خود و حروف اضافه بر گروه‌های وابسته خود حاکمیت دارند. و نیز دستور همگانی شامل تعدادی پارامتر است که هر پارامتر دارای دو ارزش یا وضعیت است که زبان‌ها از بین آن دو، دست به انتخاب می‌زنند. به عنوان مثال پارامتر هسته متمم یعنی بعضی از زبان‌ها ارزش هسته آغازین و بعضی دیگر ارزش هسته پایانی دارند و پارامتر ضمیر انداز بودن زبان که زبان ایتالیایی و فارسی ارزش مثبت آن را و انگلیسی و فرانسه ارزش منفی آن را انتخاب می‌کنند. (دبیرمقدم، ۱۳۸۷: ۴۲۶)

به عنوان مثال، در فارسی، آدمم که در آن ضمیر فاعلی محذوف است یک جمله دستوری می‌باشد اما Came در انگلیسی، به عنوان ترجمه آدمم دستوری نیست و الزاماً می‌بایست به صورت I came یعنی با حفظ ضمیر فاعلی باشد.

محمد راسخ مهند (۱۳۸۴) در مقاله‌ای به نام "حذف ضمیر فاعلی در برخی زبانهای ایرانی" به رفتار ضمایر فاعلی در زبان انگلیسی و برخی از زبان‌های ایرانی پرداخته است و توانسته است به معیارهای ارزشمندی جهت تشخیص زبان‌های ضمیر انداز از زبان‌های ضمیر گذار دست پیدا کند که از جمله این معیارها می‌توان به مطابقه، آرایش واژگان و قلب

¹⁶ theoretical linguistics

نحوی اشاره کرد. به نظر ایشان اگر در زبانی بین فعل و فاعل مطابقه قوی وجود داشته باشد و آن زبان، آرایش واژگان آزادتری داشته باشد و قلب نحوی سازه‌های جمله باعث نادرستی شدن جمله نشود، به پارامتر ضمیر انداز بودن ارزش مثبت نشان می‌دهد. که اغلب زبان‌های ایرانی دارای این ویژگی‌ها می‌باشند که جزء زبان‌های ضمیر افکن محسوب می‌شوند.

علاوه بر ویژگی‌های فوق در مورد زبانهای ایرانی، ایشان دو ویژگی دیگر را نیز در این زبان‌ها بررسی کرده است که می‌توانند با پارامتر ضمیر اندازی در ارتباط باشند. این دو ویژگی وجود امکان انجام قلب نحوی و وجود ضمائر مفعولی پی بستی در این زبان‌هاست که جدول زیر نحوه تعامل این دو پارامتر را در زبان‌های ایرانی نشان می‌دهد.

جدول ۳- تعامل قلب نحوی و ضمیر پی بستی

پارامتر	فارسی	گیلکی	لری	مازندرانی	اورامی	سورانی	ترکی	انگلیسی
قلب نحوی	+	+	+	+	+	+	+	-
ضمیر پی بستی	+	-	+	-	-	+	-	-

انوشه (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به نام "رویکردی مشخصه بنیاد به فرایندهای مبتداسازی و تأکید در زبان فارسی" بیان می‌کند که مشخصه تعریف EPP در زبانی مانند انگلیسی، قوی است و از این رو، در روند بازبینی خود، سبب ارتقا فاعل به شاخص گروه زمان می‌شود. نزد برخی از تحلیلگران، در زبان‌های ضمیرانداز که گروه اسمی فاعل، گاهی تظاهر آوایی ندارد، مشخصه تعریف با حرکت فعل ایستا به هسته گروه زمان برآورده می‌شود؛ زیرا فعل در این زبان‌ها به اندازه کافی ویژگی‌های اسمی دارد تا بتواند مشخصه یادشده را برآورده کند و از این رو، انگیزه تظاهر گروه‌های اسمی در آغاز جمله، صرفاً بازبینی مشخصه‌هایی همچون تأکید و تقابل است.

در سوی دیگر، کریمی (۲۰۰۵) بر این باور است که در زبان ضمیراندازی همچون فارسی، مشخصه تعریف، نه با حرکت فعل به هسته گروه زمان، که از طریق تطابق گروه حرف تعریف فاعل با مشخصه متناظر گروه زمان برآورده می‌شود. وی معتقد است که فرایند تطابق و بازبینی این مشخصه که در فارسی ضعیف است، بدون ارتقاء فاعل به شاخص گروه زمان صورت می‌گیرد. با این همه، شواهد زبانی نشان می‌دهند که ظاهراً برخلاف رویکرد یادشده، مشخصه تعریف گروه زمان فارسی نیز قوی است و در فرایند بازبینی، سازه فاعل را به جایگاه شاخص خود برمی‌کشد.

براساس پیشینه‌ای که در مورد این تحقیق توسط زبان شناسان مختلف ایرانی و خارجی انجام شده است که به برخی از آنها نیز اشاره شد، اما هنوز این موضوع نیاز به بحث و تحقیق دارد که بر اساس سؤالات تحقیق در زیر بررسی می‌شوند.

۲- بحث و بررسی

۲-۱ - خصوصیات نحوی فعل^{۱۷}

می‌توان گفت فعل در برخی زبان‌ها مانند زبان فارسی دارای خصوصیات منحصر به فردی است که اغلب زبان‌های دنیا مانند انگلیسی و فرانسه فاقد این خصوصیات می‌باشند که از جمله آن‌ها می‌توان به صرف فعل با تمام اشخاص و در زمان‌های مختلف اشاره کرد که همین خصوصیت موجب آن شده است که برخی زبان‌ها به پارامتر ضمیر انداز بودن ارزش مثبت نشان دهد که در زیر با ارائه مثال‌هایی از زبان‌های ضمیر انداز و ضمیر گذار به نقش تصریف فعل در قبول کردن این پارامتر پرداخته می‌شود.

۲-۲ - صرف فعل در برخی زبان‌های ضمیر انداز

زبان فارسی: فارسی یا پارسی یکی از زبان‌های هندواروپایی در شاخه‌ی زبان‌های ایرانی جنوب غربی است که در کشورهای ایران، افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان به آن سخن می‌گویند. فارسی زبان رسمی کشورهای ایران و تاجیکستان و افغانستان است. زبان رسمی کشور هندوستان نیز تا پیش از ورود استعمار انگلیس، فارسی بود. زبان فارسی را پارسی نیز می‌گویند. زبان فارسی در افغانستان به‌طور رسمی دری و در تاجیکستان تاجیکی خوانده شده‌است.

در سال ۱۸۷۲ در نشست ادیبان و زبان‌شناسان اروپایی در برلین، زبان‌های یونانی، فارسی، لاتین و سانسکریت به عنوان زبان‌های کلاسیک جهان برگزیده شدند. بر پایه‌ی تعریف، زبانی کلاسیک به‌شمار می‌آید که یکم، باستانی باشد، دوم، ادبیات پر باری داشته باشد و سوم در واپسین هزاره زندگانی خود دگرگونی‌های اندکی کرده باشد (ماهوتیان ۱۳۸۲: ۱۳۸).

زبان فارسی به دلیل صرف قوی فعل جزء زبان‌های ضمیر انداز محسوب می‌شود چرا که در صورت حذف ضمیر فاعلی شنونده به وضوح مقصود گوینده را متوجه می‌شود:

¹⁷ syntactic properties of verb

جدول شماره ۴- صرف فعل خوردن در فارسی

زمان/شخص	۱ مفرد	۲ مفرد	۳ مفرد	۱ جمع	۲ جمع	۳ جمع
خوردن	می خورم	می خوری	می خورد	می خوریم	می خورید	می خوردند

مثال (۷) : من می خورم

Ø می خورم

همان طور که در مثال های فوق مشاهده می کنید شنونده با توجه به صرف فعل، می داند منظور گوینده از می خورم در واقع "من می خورم" می باشد. منظور گوینده از می خوردند در واقع "آنها می خوردند" می باشد که این خصوصیت صرفی فعل در زبان فارسی باعث شده است تا زبان فارسی به عنوان یک زبان ضمیر انداز محسوب شود.

در صرف فعل در زبان فارسی شناسه یکی مهمترین سازه نحوی می باشد که باعث می شود فعل ضمن صرف شدن ضمیر متصل فاعلی رانیز به همراه داشته باشد. مفهوم شخص یعنی اول شخص یا گوینده یا متکلم، دوم شخص یا شنونده یا مخاطب و سوم شخص یا دیگر شخص یا غایب و نیز مفهوم فرد یا جمع را اجزایی مشخص می کنند که آنها را شناسه می نامند، که این خصوصیت باعث شده است تا زبان فارسی به پارامتر ضمیر انداز بودن ارزش مثبت نشان دهد. در زیر شناسه های زبان فارسی در زمان حال و گذشته به تفکیک ذکر شده است:

جدول ۵- شناسه های مضارع

	فرد	جمع
اول شخص	م	یم
دوم شخص	ی	ید
سوم شخص	د	ند

جدول ۶- شناسه های ماضی

	فرد	جمع
اول شخص	م	یم
دوم شخص	ی	ید
سوم شخص	Ø	ند

زبان ترکی آذربایجانی: زبان ترکی آذربایجانی از خانواده زبان‌های ترکی است که با دو گویش در جمهوری آذربایجان و مناطق آذربایجانی نشین ایران تکلم می‌شود. عمده تفاوت بین دو گویش در تلفظ برخی واژگان، وام‌واژگان روسی، فارسی، عربی و انگلیسی و تفاوت‌هایی مختصر در چند مورد دستوری است. این زبان در جمهوری آذربایجان زبان رسمی و در داغستان یکی از زبان‌های رسمی مصوب فدراسیون روسیه است. زبان ترکی آذربایجانی بخشی از شاخه زبان‌های اغوز زبان‌های ترکی است و به ترکی استانبولی و ترکمنی بسیار نزدیک است. ترکی آذربایجانی به عنوان زبان گفتاری همچنین در نواحی شرقی ترکیه و جنوب گرجستان و داغستان رایج است. زبان ترکی آذربایجانی از زبان‌های فارسی و عربی در واژگان، سامانه آوایی و دستوری اثر پذیرفته است. در ایران، شهرهای تبریز، ارومیه، اردبیل، زنجان، قسمت‌هایی از استان قزوین و همدان به ترتیب بزرگترین شهرهایی اند که ترکی آذربایجانی در آن‌ها تکلم می‌شود (هادی، ۱۳۷۴: ۹). به مانند زبان فارسی زبان ترکی نیز صرف کامل فعل رادارد و جزء زبان‌های ضمیر انداز محسوب می‌شود.

جدول ۷- صرف فعل خوردن در ترکی

زمان/شخص	۱ مفرد	۲ مفرد	۳ مفرد	۱ جمع	۲ جمع	۳ جمع
ضمیر فاعلی	من	سن	او	بیز	سیز	اولار
صرف فعل (خوردن) Yimagh	Yi yi ram	Yi yirsan	yi yir	Yi yi rick	Yi yir siz	Yi yir lar
	می خورم	می خوری	می خورد	می خوریم	می خورید	می خوردند

Man yiyiram

(۸)

Ø yiyiram

در زبان ترکی به مانند زبان فارسی به لحاظ صرف فعل، در صورت حذف ضمیر فاعلی جمله کاملاً دستوری بدست می‌دهد. در نتیجه شنونده با توجه به صرف فعل می‌تواند ماهیت ضمیر فاعلی را بشناسد.

زبان‌کردی: زبان‌های کردی یک زنجیره گویشی از زبان‌های هندواروپایی در شاخه‌ی زبان‌های ایرانی غربی هستند که کردها هم اینک با آن‌ها سخن می‌گویند. زبان‌های کردی از زبان‌های ایرانی شاخه شمال غربی هستند که با زبان فارسی و بلوچی خویشاوندی دارند. تعریف یک زبان به عنوان «کردی» همواره دستخوش عوامل غیر زبان‌شناختی به‌ویژه عوامل سیاسی و فرهنگی است. در واقع زبان کردی زبان واحدی نیست و زبان واحدی به

نام کردی وجود ندارد، زبان کردی به معنای یک زبان با یک شکل استاندارد و مرز و تعریف مشخص نیست، آنچه هست زبان‌های مستقلی (سورانی، کرمانجی و ...) است که مجموعاً کردی نامیده می‌شوند و امروزه به طیفی از زبان‌های ایرانی شمال غربی اطلاق می‌شود که گاه به هم نزدیک و گاه نسبت به هم از نظر زبان‌شناسی دور هستند. این زبان‌ها عبارتند از: کردی شمالی (کرمانجی)، کردی جنوبی: ایلامی، کلهری می‌باشند (خرم دل، ۱۳۸۱: ۱۵۶).

جدول ۸- صرف فعل خوردن در کردی

زمان/شخص	۱ مفرد	۲ مفرد	۳ مفرد	۱ جمع	۲ جمع	۳ جمع
ضمیر فاعلی	مین	تو	او	امه	او	اوان
خواردن	خواردم	خواردی	خوارد	خواردیم	خواردین	خواردید
خوردن	خوردم	خوردی	خورد	خوردیم	خوردید	خوردند

مثال ۹): مین خواردم

Ø خواردم

فعل در زبان کردی، بعنوان زبان ضمیرانداز با تمام ضمائر فاعلی صرف می‌شود. لذا در صورت حذف ضمیر فاعلی جمله دستوری تولید می‌شود.

لری: لری یک زبان ایرانی غربی و جنوب غربی است که توسط مردم ساکن و کوچ‌نشین منطقه بزرگی در غرب و جنوب ایران، استان لرستان و جنوب ایلام، و حداقل از نیمه جنوبی همدان (تویسرکان، نهاوند و ملایر) و همچنین شهر کنگاور و شهرستان گودین در استان کرمانشاه - که به گویش لری ثلاثی صحبت میکنند- استان خوزستان: دزفول، اندیمشک، مسجد سلیمان، لالی، اندیکا، رامهرمز، ایذه، باغملک، شوش، شوشتر، اهواز، باوی، ماهشهر، بهبهان، امیدیه و اکثر شهرستان‌های این استان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، استان فارس، استان بوشهر و استان اصفهان تکلم می‌شود. این زبان در کنار فارسی به شاخه جنوبی زبان‌های ایرانی غربی تعلق دارند. زبان‌های لری خود به دو گروه متمایز متناظر با تمایز بین لر بزرگ و لر کوچک تقسیم می‌شوند. زبان لری همانند زبان فارسی نواده‌ای از زبان پارسی میانه است و واژه‌های آن همانندی بسیاری با فارسی دارد. ریشه زبان‌های ایرانی، لری-بختیاری و سایر گویش‌های لری مانند زبان فارسی به پارسی میانه و از طریق پارسی میانه به پارسی باستان برمی‌گردد (ایزدپناه، ۱۳۶۷: ۱۱).

جدول ۹- صرف فعل خوردن در لری

زمان/شخص	۱ مفرد	۲ مفرد	۳ مفرد	۱ جمع	۲ جمع	۳ جمع
ضمیر فاعلی	مو	تو	وو	ایما	ایشا	اونگل
هردن	هردم	هردی	هرد	هردیم	هردیت	هردن
خوردن	خوردم	خوردی	خورد	خوردیم	خوردید	خوردند

مثال (۱۰): مو هر دم

Ø هر دم

با توجه به صرف کامل فعل در زبان لری این زبان نیز جز زبان های ضمیر انداز محسوب می‌شود.

بلوچی: بلوچی از زبان‌های ایرانی شمال‌باختری است و با زبان‌های تاتی، کردی، گیلکی و تالشی نزدیکی زیادی دارد. بلوچی بیشتر رابطه نزدیکی با زبان پارتی تا زبان پارسی میانه دارد. برای همین به نظر می‌رسد گویشوران این زبان در گذشته‌ی دور از نواحی شمالی ایران امروزی به بلوچستان کنونی کوچیده باشند. سخنگویان بلوچی احتمالاً نخست در حاشیه دریای خزر می‌زیستند و در حدود قرن ۴ق/۱۰م به مناطقی که اکنون هستند مهاجرت کردند. بلوچی نزدیکی زیادی با هورامی و زازاکی دو لهجه کردی دارد و بلوچی مانند این دو لهجه کردی نزدیکی زیادی را با پهلوی اشکانی دارد اما به سایر لهجه‌های اصلی کردی مانند سورانی و کرمانجی تا حدودی نزدیک است (زهی موسی، ۱۳۸۷: ۲۵۳).

جدول ۱۰- صرف فعل خوردن در بلوچی

زمان/شخص	۱ مفرد	۲ مفرد	۳ مفرد	۱ جمع	۲ جمع	۳ جمع
ضمیر فاعلی	مو	تَو - تَه	آ - آهیا	ایما	ایشا	اشان
ورتن	varton / وارتن	وارتج	وارتی (وارت)	varten / وارتن	وارتیج	وارتن
خوردن	خوردم	خوردی	خورد	خوردیم	خوردید	خوردند

مثال (۱۱) من وارتن

Ø وارتن

در زبان بلوچی به عنوان یک زبان ضمیر انداز فعل به طور کامل صرف می‌شود. و در صورت حذف ضمیر فاعلی جمله دستوری تولید می‌شود.

گیلکی: از گروه زبان‌های ایرانی شاخه شمال غربی است که زبان مادری اکثر مردم استان گیلان و جوامع کوچکتری در استانهای مجاور، از جمله استانهای مازندران، استان قزوین و نیز در استان تهران است. گیلکی از شرق با گویشوران مازندرانی و از غرب با گویشوران تالشی و از جنوب با گویشوران تاتی همجوار است و در درون محدوده خود دارای گونه‌هایی است.

زبان گیلکی از گروه زبان‌های شمال غربی ایرانی و در مجموع زبان‌های حاشیه خزر است. علاوه بر گیلکی این خانواده شامل زبانهای تالشی، مازندرانی و تاتی می‌باشند. از دیدگاه تاریخی این زبانها به زبان پارتی(اشکانی) وابستگی دارند. گیلکی با دیگر زبان‌های ایرانی شمال غربی نزدیکی دارد. مردم شمال غربی گیلان، به زبانی دیگر از خانواده گویش‌های کناره دریای خزر که زبان تالشی باشد تکلم می‌کنند. گیلکی نزدیکی زیادی با زبان مازندرانی داشته و گویشوران این دو زبان تا حد نسبتا زیادی می‌توانند سخنان هم دیگر را بفهمند. گیلکی تنها در ایران رواج دارد و شبکه استانی گیلان بخشی از برنامه‌های تلویزیونی خود را به این زبان اجرا می‌کند. گیلکی به عنوان زبان رسمی جلسات شورای شهرستان رشت تعیین شده‌است. باید توجه کرد که نه تنها بین گیلکی و مازندرانی تفاوت‌های زیادی وجود دارد بلکه هر یک از این دو گونه زبانی دارای لهجه‌های فراوانند. زبان گیلکی مشتمل بر سه گویش اصلی است، بیه پس، بیه پیش و گالشیکه در کوهستان‌های جنوب گیلان و غرب مازندران رایج است. بیه پس و بیه پیش توسط رودخانه سپیدرود از هم جدا می‌گردند(بخش زاده ، ۱۳۹۰: ۱۰۷). در زبان گیلکی نیز فعل با تمام ضمایر فاعلی صرف کامل می‌شود:

جدول ۱۱- صرف فعل گفتن در گیلکی

زمان/شخص	۱ مفرد	۲ مفرد	۳ مفرد	۱ جمع	۲ جمع	۳ جمع
ضمیر فاعلی	مؤ/من	تؤ	اقن	امؤ/أمان	شؤمؤ/شؤمان	ایشؤن/اوشأن
گوتن	بؤگوتم	بؤگوتی	بؤگوت	بؤگوتیم	بؤگوتین	بؤگوتن
گفتن	گفتم	گفتی	گفت	گفتیم	گفتید	گفتند

مثال (۱۲) مؤ بؤگوتم
 Ø بؤگوتم

بختیاری: گویش مردم بختیاری و یکی از گویش‌های زبان لری است. بختیاری‌ها جزئی از مردم لر به‌شمار می‌آیند که به آن‌ها لر بزرگ می‌گویند و در جنوب غربی ایران ساکن

هستند. گویش بختیاری از جمله گویش‌های جنوب غربی ایران و یکی از گویش‌های زبان لری به‌شمار می‌رود. این گویش لری ۸۶ درصد با لری جنوبی و ۷۸ درصد با لری خرم‌آبادی شباهت دارد. دانشنامه ایرانیکا گویش بختیاری و زیرشاخه‌های آن را به همراه گویش‌های بویراحمدی، کهگیلویه ای و ممسنی دارای اشتراکات زیاد لغوی، مورفولوژی و ویژگی‌های واج‌شناسی دانسته و مجموعه این گویش‌ها را به همراه گویش لری از یک خانواده معرفی نموده‌است و بر تفاوت آن‌ها با کردی صحه گذاشته‌است (فارسانی، ۱۳۷۵: ۳۰۶).

جدول ۱۲- صرف فعل خوردن در بختیاری

زمان/شخص	۱ مفرد	۲ مفرد	۳ مفرد	۱ جمع	۲ جمع	۳ جمع
ضمیر فاعلی	مو/م	تو	هو/ه	ایما	ایسا	هونو/هَنُو
خَرَدَن	خُرُم/خورُم	خُری/خوری	خُره/خوره	خُریم/خوریم	خُرین/خورین	خُرَن/خورن
خوردن	می خورم	می خوری	می خورد	می خوریم	می خورید	می خوردند

مثال (۱۳) هو خوره

Ø خوره

گویش مازندرانی: گویش مازندرانی یا مازنی، مازرونی، تبری، طبریو گیلکی، نام یکی از زبان‌های ایرانی شمال‌غربی است. که در گروه زبان‌های کاسین قرار دارد. این زبان‌ها شامل زبان‌های زازاکی، گورانی، تالشی گیلکی و مازندرانی می‌شود و از لحاظ تاریخی جزء شاخه شمال‌غربی زبان‌های ایرانی بوده و در ارتباط با زبان پهلوی اشکانی می‌باشد. زبان مازندرانی از غرب با گویشوران گیلکی، از جنوب با گویشوران تاتی و از شرق و جنوب شرق با گویشوران ترکمنی و فارسی همجوار است و در درون خود دارای گونه‌هایی است (دیهیم، ۱۳۷۴: ۵۳).

جدول ۱۳- صرف فعل گرفتن در مازندرانی

زمان/شخص	۱ مفرد	۲ مفرد	۳ مفرد	۱ جمع	۲ جمع	۳ جمع
ضمیر فاعلی	men /من	te /ت	ve /و	ema /ما	shema / شما	veshon / وشون
بایتن	بایتمه	باتی	بایته	بایتمی	بایتنی	بایتنه
گرفتن	گرفتم	گرفتی	گرفت	گرفتیم	گرفتید	گرفتند

مثال (۱۵) اما بایتمی

Ø بایتمی

تاتی: تاتی از آنجا که یکی از زبان‌های ایرانی شمال غربی است به فارسی نزدیکی دارد و به گیلکی و مازندرانی و بخصوص به زبان لری و تالشی شبیه و نزدیکتر می‌باشد. زبان تاتی همچنین به زبان کردی و اوستایی نیز نزدیک است. تاتی، بسیاری از ویژگی‌های آوایی، واژگانی و صرف و نحوی کهن همچون تمایز جنس دستوری، ساخت ارگتیو، مجهول، گردش مصوت‌ها، حالت دوگانگی فاعلی و غیرفاعلی در اسم و ... را حفظ کرده‌است (رحمانی، ۱۳۹۰، ص ۳۵).

جدول ۱۴- صرف فعل خوردن در تاتی

زمان/شخص	۱ مفرد	۲ مفرد	۳ مفرد	۱ جمع	۲ جمع	۳ جمع
ضمیر فاعلی	آ	ت	آ	آما	شما	آهاین
خورن	موخرم	موخری	موخر	موخرون	موخرا	موخرن
خوردن	می خورم	می خوری	می خورد	می خوریم	می خورید	می خوردند

مثال (۱۶): ت موخری

Ø موخری

همانطور که ملاحظه می‌کنید در زبان تاتی به عنوان یک زبان ضمیر انداز چنانچه فاعل جمله حذف شود، جمله دستوری تولید می‌شود.

گویش خراسانی: گویشی است که در خراسان رایج است. گویشهای خراسانی به سه گروه اصلی تقسیم می‌شوند: گروه شمالی که در جوین سبزوار و نیشابور به آن تکلم می‌شود؛ گروه مرکزی که در ترشیز و گناباد رایج است؛ و گروه جنوبی که گویشوران آن در قائن، تون و بیرجند سکونت دارند. اختلاف میان این سه گروه بسیار اندک است و نمی‌توان آن‌ها را گویشهای مجزایی به حساب آورد؛ به‌علاوه، این گروه‌ها واژه‌های بسیاری را از یکدیگر وام گرفته‌اند. این همانندی در خور توجه را به گویش شمال شرقی فارسی دری نسبت داده می‌شود که از قرون چهارم و پنجم به بعد زبان ادبی فارسی را شکل داده و گویشهای خراسانی کنونی از آن مشتق شده است (دانشگر، ۱۳۷۴: ۹۹).

جدول ۱۵- صرف فعل خوردن در خراسانی

زمان/شخص	۱ مفرد	۲ مفرد	۳ مفرد	۱ جمع	۲ جمع	۳ جمع
ضمیر فاعلی	مو	تو	او	ما	شما	اونا
خوردن	بوخرم	بوخردت	بوخردس	بوخرما	بوخرتا	بوخرسا
خوردن	خورم	خوردی	خورد	خوردیم	خوردید	خوردند

مثال (۱۶): اونا بوخرسا
 Ø بوخرسا

گویش خراسانی هم در حذف ضمیر فاعلی همانند سایر زبان‌های ضمیر انداز عمل می‌کند.

زبان عربی: زبان عَرَبی (به عربی: اللغة العربیة)، یکی از پرگویش‌ترین زبان‌های جهان، بزرگ‌ترین عضو از شاخه‌ی زبان‌های سامی (آفریقایی-آسیایی) است و با زبان‌های عبری و آرامی هم‌خانواده است. زبان عربی یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحدست. آثار علمی، ادبی و مذهبی فراوانی به این زبان نوشته شده است. تأثیر عربی بر زبان‌های دیگر جهان اسلام مانند اردو، و زبان‌های گوناگون خانواده‌ی ترکی چشمگیر است (حجازی، ۱۳۷۹: ۸۴). این زبان نیز یک زبان ضمیرانداز محسوب می‌شود و فعل به طور کامل صرف می‌شود:

جدول ۱۶- صرف فعل خوردن در عربی

زمان/شخص	۱ مفرد	۲ مفرد	۳ مفرد	۱ جمع	۲ جمع	۳ جمع
ضمیر فاعلی	أنا	أنت - أنتِ	هو- هي	نحن	أنتم	أنتم - انتنَّ
أكل	أَكُلُ	تأكل - تأکلین	يأكل - تأكل	نأكل	تأکلان	يأکلن
خوردن	می‌خورم	می‌خوری	می‌خورد	می‌خوریم	می‌خورید	می‌خورند

مثال (۱۷) أنت تأكل

Ø تأكل

با توجه به حذف ضمیر فاعلی جمله برای شنونده عرب زبان کاملاً دستوری می‌باشد. کوک^{۱۸} نیز به نقل از چامسکی یکی از دلایل فاعل تهی یا ضمیر انداز بودن زبان را صرف فعل می‌داند (کوک، ۱۹۹۷: ۵۶). زبان‌های ایرانی عمدتاً ضمیر انداز محسوب می‌شوند لذا به ناچار جهت مقایسه بین زبان‌های ضمیر گذار و ضمیر انداز، مثال‌هایی از زبان‌های ضمیر گذار که غیر ایرانی می‌باشند، بیان می‌شود.

۲-۳ - صرف فعل در برخی از زبان‌های ضمیر گذار

در زبان‌های ضمیر گذار افعال به طور کامل با شمار و اشخاص صرف نمی‌شود، زبان‌هایی مانند انگلیسی، فرانسه، آلمانی و اسکاتلندی از جمله زبان‌هایی هستند که فعل در آنها صرف نمی‌شود در نتیجه در صورت حذف ضمیر فاعلی شنونده قادر به تشخیص فاعل جمله نخواهد بود.

¹⁸ V.J.Cook

جدول شماره ۱۷- صرف فعل در زبان های ضمیر گذار

فعل/شخص	۱ مفرد	۲ مفرد	۳ مفرد	۱ جمع	۲ جمع	۳ جمع
انگلیسی eat	I	you	he, she, it	We	you	they
	eat	eat	eats	Eat	eat	eat
فرانسه finis	je	tu	il	Nous	vous	elles
	finis	finis	finit	finissons	finissent	finissent
آلمانی essen	ich	du	er / sie	Wir	ihr	sie
	esse	isst	isst	Essen	esst	essen
اسکاتلندی spick	ah	ye	he, she, it	We	youse	they
	spick	spick	spicks	Spick	spick	spick

۳- نتیجه گیری

با توجه به نتایج به دست می‌توان چنین عنوان کرد که برای اینکه زبانی به یک پارامتری ارزش مثبت نشان دهد، بایستی دارای خصوصیات نحوی خاصی باشد، به بیان دیگر سازه‌های نحوی جمله بایستی دارای خصوصیات متمایزی نسبت به زبان هایی که به آن پارامتر ارزش منفی نشان می دهند، باشند.

با توجه به این که موضوع این مقاله در مورد رابطه پارامتر ضمیر انداز بودن زبان و تصریف فعل می‌باشد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که نقش سازه نحوی فعل در زبان برای ارزش مثبت نشان دادن این زبان به پارامتر ضمیر انداز نسبت به سایر سازه‌ها پرتنگ تر می باشد. با توجه به مثال‌های ارائه شده، فعل در زبان‌های ضمیر انداز دارای قدرت تصریف بسیار بالاتری می‌باشد و با توجه به عدم صرف کامل فعل در زبان‌های ضمیر گذار می توان چنین بر داشت کرد که تصریف فعل به عنوان یک خصوصیت نحوی، نقش مهمی در ضمیر انداز یا ضمیر گذار بودن زبان دارد. یعنی اگر در زبانی فعل با تمام ضمائر فاعلی صرف شود آن زبان ضمیر انداز می‌باشد.

منابع

- ۱- انوشه، مزدک. (۱۳۷۸). «رویکردی مشخصه بنیاد به فرآیند های مبتدا سازی و تأکید در زبان فارسی»، مجله پژوهش های زبانی، دوره ۱، شماره ۱، دانشگاه تهران.
- ۲- یزدپناه، حمید. (۱۳۶۷). **فرهنگ لکی**، مؤسسه فرهنگی جهانگیری، تهران

- ۳- بخش‌زاد محمودی، جعفر. (۱۳۹۰). دستور زبان گیلکی: صرف و نحو و آیین نگارش (چاپ دوم)، رشت: نشر
- ۴- خرم دل، مصطفی. (۱۳۶۰). مکالمات روزمره زبان کردی. سال چاپ: ۱۹۸۱
نشر: انتشارات کردستان
- ۵- دانشگر. احمد. (۱۳۷۴). فرهنگ واژه‌های رایج تربت حیدریه، ج ۱، مشهد.
- ۶- دیهیم، گیتی. (۱۳۸۴). بررسی خرده‌گویش‌های منطقه قصران، چاپ اول، نشر فرهنگستان زبان و ادب فارسی
- ۷- دبیر مقدم، محمد. (۱۳۸۷). زبان‌شناسی نظری، پیدایش و تکوین دستور زایشی. تهران: سخن
- ۸- راسخ مهند، محمد(۱۳۸۵). «حذف ضمیر فاعلی در برخی از زبان های ایرانی»، مجله زبان شناسی، دانشگاه بوعلی، همدان.
- ۹- رحمانی، رضا. (۱۳۹۰). فرهنگ تاتی تاکستان، انتشارات سال، چاپ اول
- ۱۰- زهی موسی، محمود. (۱۳۸۷) نگاهی به سابقه نژادی قوم بلوچ بر مبنای داده‌های زبانی. دانشگاه سیستان و بلوچستان
- ۱۱- شکری، گیتی. (۱۳۷۴). گویش ساری (مازندرانی)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران،
- ۱۲- حجازی، محمود فهمی. (۱۳۷۹). زبان‌شناسی عربی: درآمدی تاریخی- تطبیقی در پرتو فرهنگ و زبان های سامی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، شرکت به‌نشر،
- ۱۳- فارسان، محسن. (۱۳۷۵). دیوان ملا زلفعلی بختیاری، انتشارات مشعل.
- ۱۴- کریمی، سیمین. (۱۳۷۴). «از ژرف ساخت تا ساخت منطقی و نظریه مینیمالیست». مجله زبان شناسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، سال دوازدهم، شماره اول و دوم.
- ۱۵- ماهوتیان، شهرزاد. (۱۳۸۲). دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی، ترجمه مهدی سمائی، تهران ۲، چاپ دوم.
- ۱۶- هادی، اسماعیل (۱۳۷۴) ترکی هنر است، انتشارات احرار تبریز.
- 1-Chomsky, N.(1981). Lectures on government and binding theory. Dordrecht: Foris.
- 2-Cook, V. J.(1988). Experimental approaches to second language learning, Oxford: Pergamon,23_37.
- 3-Cook, V. J. (1997). Inside language. London: Edward

Arnold.

4-Huang, C.(1991). Remarks on the status of the null object , In: Principles and parameters in comparative grammar. R. Fridin (ed.),Cambridge, Mass: MIT. Press.

5-Huang, C. (1992). On null subjects and null objects in generative grammar. *Linguistics*,33, 1081_1123.

6-Simpson,A.(2005). Dynamic antisymmetry. Cambridge, MIT press.